The Effectiveness of Social and Philosophical Schools in Social Planning

Ali Hajyousefi*: Associate professor Allameh Tabataba'i university. hajyousf@gmail.com

Abstract

Introduction: Social planning as a theoretical and practical activity of aware human of the twentieth century, is mainly based on wisdom, rational thinking and taking advantage of new sciences like social sciences and applied mathematics. Presumption of social planning is believing that human acquired necessary tools and knowledge to intervene in the process of social life, and in practice he can organize them to his needs and goals.

Methods: This study was a systematic review. Therefore, books and documents related to social planning, community social work and economic development were studied. And finally from this collection of seventeen books, articles and documents; four documents and books were selected.

Results: The nature of social problems and the dimensions of social development approach, social, environment and sustainable development movements and social security and welfare approach (in political worldviews of liberal democratic, social democracy and democratic socialism); had great impact on evolution of the concept, methodology and mechanism of social planning. In addition, at the micro-level, social planning has been effected by social work and social management's new theories.

Conclusions: Social planning is done with the participation of social workers and it's beneficiary. The foundation social planning is deep survey by social workers, this research–planning process includes the following items:

1- Survey over social problem.
2- Specifying of aims of the plan.
3- Codification and evaluation of social plane.

It is suggested to utilize this particular social work approach to examine, control, reduce and prevent social problems.

Keywords

Social and Philosophical Schools

Social Planning

Community Social Work

Economic Development

*Corresponding Author

Study Type: Review article
Received: 02 Dec 2016
Accepted: 24 Jan 2017

Please cite this article as follows: Hajyousefi A. The impact of social and philosophical schools in social planning. Quarterly journal of social work. 2017; 6 (1); 44-50

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-06]

تاثیر نحله‌های فلسفی و اجتماعی در برنامه‌ریزی اجتماعی

علی حاج یوسفی*: دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی hajyousf@gmail.com

چکیده

مقدمه: برنامه‌ریزی اجتماعی به‌معنای یک فعالیت نظری و کاربردی انسان آگاه قرن بیستم، به‌طور بنیادی بر خرد، عقلانیت و بهره‌گیری سنجیده از علوم وفنون جدید، خاصه علوم اجتماعی و ریاضیات کاربردی استوار است. پیش‌فرض برنامه‌ریزی اجتماعی این باور است که انسان دانش و ابزار لازم برای مداخله در فرایندهای زندگی اجتماعی را دارد و در عرصه‌ی اقدام، می‌تواند آن‌ها را در جهت هدف‌ها و نیازهای خود ساماندهی کند.

روش: این مطالعه به‌روش مرور سیستماتیک انجام گرفت. بدین منظور مقالات، کتاب‌ها و اسناد مرتبط با برنامه‌ریزی اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای و توسعه اقتصادی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت از مجموعه هفده کتاب، مقاله، سند و دست‌نوشته‌های نگارنده، چهار مرجع انتخاب گردید.

نتایج: ماهیت مسائل و مشکلات اجتماعی و رویکرد ابعاد اجتماعی توسعه، جنبش‌های اجتماعی، محیط زیست، توسعه پایدار و رویکرد رفاه و تامین اجتماعی(در جهان‌بینی‌های سیاسی لیبرال دموکراتیک و سوسیال دموکراسی و سوسیالیسم دموکراتیک) در تحول مفهومی و سازوکاری و روش‌شناسی برنامه‌ریزی اجتماعی تاثیر بسیار داشته‌اند. علاوه بر این در سطح خرد، نظریه‌های جدید مددکاری اجتماعی و مدیریت اجتماعی در برنامه‌ریزی اجتماعی، سخت موثر بوده‌است.

بحث و نتیجه‌گیری: برنامه‌ریزی با مشارکت مددکاران اجتماعی و ذی‌نفعان برنامه صورت می‌گیرد. شالوده اصلی برنامه‌ریزی، بررسی‌های عمقی مددکاران اجتماعی است، این فرایند پژوهشی-برنامه‌ریزی شامل موارد زیر است:

۱- بررسی پیرامون مشکل اجتماعی.

۲- تعیین هدف‌های برنامه.

۳- تدوین طرح اجتماعی و ارزیابی.

بهره‌گیری هر چه بیشتر از این روش مددکاری اجتماعی برای بررسی و اقدام در مورد کنترل،کاهش و پیشگیری از مشکلات اجتماعی وبهزیستن پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی

نحله های فلسفی و اجتماعی

برنامه ریزی اجتماعی

مددکاری جامعه‌ای

توسعه اقتصادی اجتماعی

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: مروری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۵

نحوه استناد به مقاله: علی حاج یوسفی. تاثیر نحله‌های فلسفی و اجتماعی در برنامه‌ریزی اجتماعی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۶؛ ۶ (۱): ۵۰-۴۴

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-06]

مقدمه

برنامه‌ریزی اجتماعی به‌معنای یک فعالیت نظری و کاربردی انسان آگاه قرن بیستم، به‌طور بنیادی بر خرد، عقلانیت و بهره‌گیری سنجیده از علوم و فنون جدید، خاصه علوم اجتماعی و ریاضیات کاربردی استوار است. پیش‌فرض برنامه‌ریزی اجتماعی این باور است که انسان دانش و ابزار لازم برای مداخله در فرایندهای زندگی اجتماعی را دارد و در عرصه‌ی اقدام، می‌تواند آن‌ها را در جهت هدف‌ها و نیازهای خود ساماندهی کند.

نظریه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی، مبتنی بر نظریه‌های علوم اجتماعی و اقتصادی و انسانی است که به‌طور کلی به شناخت شناسی و روش شناسی علوم اجتماعی مرتبط می‌شود.

در ابتدای قرن بیستم، با بسط و گسترش فلسفه و ''پوزیویتیسم'' و دستاورد های علوم، از یک سو، و رواج و گسترش افکار و آرای نحله‌های ''سوسیالیسم'' در جوامع اروپایی، باعث شد تا مدتها نظریه‌های مربوط به برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی، تحت تاثیر نحله‌های فلسفی ''خردگرایی(Rationalism)'' و ''پوزیویتیسم'' علمی قرار بگیرد. در این دوره، اعتقاد به کارایی روش‌ها و فنون علمی در برنامه‌ریزی، سبب پیدایش ''برنامه‌ریزی علمی'' و با رویکردی فنی‌تر، ''مهندسی اجتماعی(Social Engineering)'' شد.

اما در دهه‌های پایانی قرن بیستم، در پی ناکامی و شکست نسبی رویکرد مهندسی اجتماعی و حتی روش‌های علمی محض و خردگرایی و نیز پیدایش مسائل و مشکلات جدید در فرایند توسعه، دیدگاه‌های انتقادی راجع به روش‌شناسی علمی و مهندسی، برنامه‌ریزی اجتماعی رو به گسترش نهاد، و در عرصه عمل، اندیشه‌ها و آرای نوینی پدیدار شد، که به کلی مبانی نظری مهندسی اجتماعی و برنامه‌ریزی عقلانی را مورد تردید و تجدید نظر قرار داد.

روش

این مطالعه به روش مرور سیستماتیک انجام گرفت. بدین منظور مقالات، کتاب‌ها و اسناد مرتبط با برنامه‌ریزی اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای و توسعه اقتصادی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. ودر نهایت از این مجموعه کتاب، مقاله، سند و دست‌نویس‌هایی انتخاب گردید.

یافته ها

مهمترین جریان‌های فکری و اجتماعی که تاثیر فراوانی در تحول دیدگاه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی اجتماعی، در نیمه دوم قرن بیستم پدید آورده‌اند عبارتند از: پیدایش نحله فلسفی نئوپوزیویتیسم، نحله پدیدارشناسی اجتماعی و از همه مهمتر، ''نحله سیستم‌ها'' و نظریه‌های توسعه اجتماعی، تامین و رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی در جنبش پسامدرنیسم.

ماهیت مسائل و مشکلات اجتماعی و رویکرد ابعاد اجتماعی توسعه، جنبش‌های اجتماعی، محیط زیست، توسعه پایدار و رویکرد رفاه و تامین اجتماعی(در جهان‌بینی‌های سیاسی لیبرال دموکراتیک و سوسیال دموکراسی و سوسیالیسم دموکراتیک) در تحول مفهومی و سازوکار و روش‌شناسی برنامه‌ریزی اجتماعی تاثیر بسیار داشته‌اند. به‌علاوه در سطح خرد، نظریه‌های جدید مددکاری اجتماعی و مدیریت اجتماعی در برنامه‌ریزی اجتماعی،سخت موثر بوده‌اند.

بعد اجتماعی در توسعه: در مقیاس کلان توسعه، تا دهه ۱۹۶۰، توسعه در مفهوم اقتصادی بود، و با شاخص‌های کمی اقتصادی مانند درآمد سرانه، تولید سرانه، رشد جمعیت و نرخ شهر نشینی و مانند این‌ها سنجیده می‌شد. اما از دهه ۱۹۶۰ به‌علت بروز مشکلات چالش‌های ساختاری در فرایند توسعه، تغییرات عمیقی در رویکرد نظری به مفهوم توسعه و شاخص‌های آن پدید آمد، که در عمل اهداف، سازوکارها و روش‌های برنامه‌ریزی توسعه را به‌نحو توسعه اجتماعی تغییر داد. از مهمترین جنبش‌ها و جریان‌های فکری و اجتماعی و روش‌شناسی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم پدیدار شد، می‌توان از جنبش کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی، حقوق بشر، شهروندی و مانند این‌ها اشاره کرد، که تاثیر آن‌ها همچنان در فرایند دگرگونی‌های توسعه رو به گسترش بوده است.

یکی از رویکردهای عمده تغییر مفهوم توسعه و توجه به ابعاد اجتماعی آن، تحولی است که در چند دهه تجربه توسعه، در شیوه نگرش کارشناسان سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن از جمله موسسه مطالعات توسعه اجتماعی

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-06]

ژنو، نسبت به مفهوم و ابعاد مختلف توسعه پدید آمد.

مفهوم کیفیت زندگی: جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان اجتماعی و مددکاران اجتماعی با پژوهش‌های میدانی و نظری، رویکرد جدیدی را در ادامه مطرح شدن ابعاد اجتماعی به جریان توسعه، وارد کردند؛ وآن مفهوم ''کیفیت زندگی'' در زمینه اصلاح و گسترش مفهوم کیفی توسعه است و برای اندازه‌گیری آن از شاخص‌های اجتماعی بهره گرفتند.

در سال ۱۹۶۶ گزارش ''ریموند بائر'' درباره شاخص‌های اجتماعی که حاصل چندین طرح پژوهشی در اروپا و آمریکا بوده، تحولی بزرگ در برنامه‌ریزی اجتماعی و کیفیت ارزشیابی برنامه‌های توسعه را بوجود آورد.

در سال ۱۹۷۳ در ایالات متحده آمریکا شاخص‌های اجتماعی نتیجه چندین طرح پژوهشی در ناسا و دانشگاه هاروارد و غیره بوده که به‌صورت رسمی تدوین و اعلام شد. از آن زمان با حمایت سازمان ملل متحد، تلاش در پژوهش برای ابداع شاخص‌های اجتماعی بومی در کشورهای جهان صورت گرفت و این موضوع در روند برنامه‌ریزی همه کشورها وارد شد.

از سال ۱۹۷۰ در کنفرانسها تخصصی مسائل توسعه و برنامه‌ریزی سازمان ملل متحد ، ابعاد اجتماعی توسعه، توسعه اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی مورد تاکید فراوان گرفت.

مفهوم رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی: سیاست اجتماعی از مفاهیم اساسی و موضوعات اجتماعی است که ریشه در تحولات اجتماعی و سیاسی قرن نوزدهم اروپای غربی دارد، و بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد. در انگلستان در چار چوب سنت ''لیبرالیسم'' به‌مثابه سیاست جامعی در زمینه مبارزه با فقر، بیکاری، بیماری و مشکلات اسکان، وارد سیاست کلان دولت انگلیس شد. سیاست اجتماعی در دولت‌های سوسیال دمکرات اسکاندیناوی جایگاه برجسته‌ای یافت و در جهان بینی مارکسیسم و سوسیالیسم با تحلیل دیگری به‌موازات سیاست اقتصادی به‌کار گرفته شد.

به‌موازات این رویکرد حمایتی، رفاه اجتماعی به‌صورت یک نظام خدمات حمایتی و اجتماعی در اروپا و آمریکا گسترش یافت و دولت‌های رفاهی در قالب نظام سیاسی لیبرال دموکراسی، سوسیال دموکراسی و سوسیالیسم دمکراتیک به‌صور گوناگون با سازو کارها و برنامه‌ریزی متفاوت شکل گرفت.

در کشورهای اسکاندیناوی و سوسیالیستی اروپا (مانند فرانسه) مفهوم‌های تامین اجتماعی، رفاه اجتماعی، سیاست اجتماعی، کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی و دموکراسی اجتماعی در عرصه علم، اخلاق و جنبش‌های سیاسی همواره مطرح بوده و برنامه‌ریزی اجتماعی نیز تحت تاثیر این موضوع‌ها و مفاهیم اساسی زندگی انسانی، تحول یافته است. در آغاز قرن بیست و یکم، به‌دنبال تغییر دیدگاه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی، موضوع عدالت اجتماعی، حقوق شهروندی، جامعه مدنی و مشارکت همگانی و کثرت‌گرایی سیاسی و تامین و رفاه اجتماعی جامع جایگاه استوارتری در الگوهای برنامه‌ریزی اجتماعی پیدا کرده است بدینسان برنامه‌ریزی اجتماعی را بیشتر به سوی اهداف متعالی انسانی و آرمان‌های اجتماعی و اخلاقی و زیبایی زندگی فردی و اجتماعی، که در گذشته کمتر به آن‌ها توجه می‌شد، بنابر ضرورت زندگی امروز، به رویکردهای جدیدتری کشانده است.

در سال‌های گذشته، مفاهیم رفاه و تامین اجتماعی و کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی، زیر تاثیر اندیشه‌های نو و تحولات جدید، هم از دیدگاه نظری و هم در زمینه کاربردی، غنای بیشتری پیدا کرده و مباحث و گفتمان جدیدی را در عرصه برنامه‌ریزی اجتماعی در سطح‌های کلان و خرد مطرح ساخته است.

مفهوم برنامه‌ریزی اجتماعی: برنامه‌ریزی، اساسا به‌عنوان مجموعه فعالیت‌های هدفمند و سازمان یافته، هم به فعالیت ذهنی و شناختی و هم به فعالیت عملی متکی است . مفهوم برنامه‌ریزی اجتماعی در یک برداشت کلی بدین صورت تعریف می‌گردد: ''کوشش سنجیده و آگاهانه‌ای که از سوی دولت و یا جامعه یا نهادها و نخبگان اجتماعی و مردمی برای اخذ تصمیم‌ها منطقی و درست در زمینه چگونگی استفاده بهینه از منابع و امکانات؛ صورت گرفته، تا هدف‌های غایی توسعه اجتماعی، یعنی ''بهزیستی و سلامت اجتماعی،'' پیشرفت موزون، پرورش و توسعه منابع انسانی امکان پذیر شود را؛ برنامه ریزی اجتماعی می گویند.''(۱)

امروزه صاحب نظران علوم اجتماعی معتقدند که جامعه باید براساس واقعیات و حقایق زندگی اجتماعی ضروریات و نیازها، و منابعی که

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-06]

در دسترس دارد، برای حل مسایل اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، پیشرفت و توسعه اجتماعی خود به‌طور موثر نقشه راه، برنامه‌ها و طرح‌های اجتماعی را طراحی کند. از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی می‌توان ساختارها و کارکردهای جامعه را اصلاح و بازسازی کرد و از بروز مسائل و چالش‌های زندگی اجتماعی، پیشگیری کرد.

برنامه‌ریزی اجتماعی در سطح کلان، در کشورهای پیشرفته رفاهی، محدوده برنامه‌ریزی اقتصادی را نیز دربر می‌گیرد و برای هدایت و مدیریت جریان‌های اقتصادی و تعیین هدف‌های غایی برنامه‌ریزی اقتصادی جنبه راهبردی دارد. اما از دیدگاه بخشی، بخش‌های اجتماعی مانند بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، اوقات فراغت و سرگرمی‌ها، کیفیت زندگی اجتماعی، تامین و رفاه اجتماعی و فرهنگ و هنر و مانند این‌ها در محدوده برنامه‌ریزی اجتماعی جای می‌گیرد.

اما تحولات پرشتاب اقتصادی اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیکی در دهه‌های پایانی قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم تاثیرات عمیقی در برنامه‌ریزی اجتماعی، چه در سطح کلان و چه در سطح خرد گذارد. اولا در سطح کلان برنامه‌ریزی اجتماعی به یک برنامه‌ریزی راهبردی و فرابخشی تبدیل شد و ثانیا هدف‌های اساسی آن نیز به ضرورت‌های توسعه اجتماعی عصر جدید نمایان شد. این هدف‌ها عمدتا عبارتند از: توسعه و بهبود منابع انسانی، توسعه امنیت و تامین اجتماعی، دستیابی به عدالت اجتماعی و تساوی در فرصت‌های زندگی، بهبود مستمر کیفیت زندگی فردی و اجتماعی، گسترش جامعه مدنی، حقوق شهروندی و شایسته سالاری و مانند این‌ها.

برنامه‌ریزی اجتماعی در ارتباط با دانش مددکاری اجتماعی ویژگی‌های دیگری در عمل پیدا کرد. از دیدگاه مددکاری اجتماعی، برنامه‌ریزی ابزاری است در اختیار نهادهای مردمی و مدیریت اجتماعی تا به‌توانند به‌صورت دموکراتیک و با مشارکت مردم، در جهت بهبود شرایط زندگی در گروه‌های اجتماعی و جوامع محلی و حل مشکلات و آسیب‌های اجتماعی، طرح و نقشه‌ای عقلانی و مناسب تهیه و با مشارکت مردم ذی‌نفع اجرا نمایند. از این نظر، برنامه‌ریزی برای ساماندهی یک جامعه خرد محلی و یا پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مشخص، بسیار متفاوت است از برنامه‌ریزی کلان اجتماعی و به رغم داشتن وجوه مشترک، هر کدام از آن‌ها به روش‌ها و ابزارهای خاص خود نیاز دارند. بنابراین برنامه‌ریزی اجتماعی در محدوده فعالیت‌های مددکاری اجتماعی، دارای حوزه عمل و اقدام و وظایف خاصی است که مبتنی بر نظریه‌های اجتماعی و نظریه‌ها و روش‌های ویژه وظایف مددکاری اجتماعی است.

گفتنی است، امروزه دانش برنامه‌ریزی اجتماعی از منشاء نخستین خود فراتر رفته و گسترده‌تر و مردمی‌تر شده و به همین علت در طول دو دهه گذشته، نظریه پردازی در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی، سازوکاری مردمی‌تر و غیر بوروکراتیک و مشارکتی پیدا کرده است.

خلاصه کنیم، با توجه به تجارب علمی برنامه‌ریزی اجتماعی در یک قرن گذشته می‌توان چهارگونه برنامه‌ریزی اجتماعی را مشاهده کرد.

۱-برنامه‌ریزی کلاسیک و سنتی: این برنامه‌ریزی، بنا به ضرورت‌ها در اوایل قرن بیستم و در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم پیدا شد. و ویژگی آن در نخبه‌گرایی (کارشناسانه) و علم‌گرایی و شکلی آمرانه، بوروکراتیک و فن سالارانه داشت. مهندسی اجتماعی نیز در همین دوران رشد یافت.

۲-برنامه‌ریزی خردگرا و دموکراتیک: این برنامه‌ریزی از میان سال‌های نوسازی اقتصادی و اجتماعی کشورهای پیشرفته جنگ زده اروپا با رویکردی جدید و مبتنی بر مشارکت اجتماعات محلی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و مدیریت در زمینه توسعه اجتماعی بیرون آمد.

۳-برنامه‌ریزی اجتماعی مبتنی بر آزادی و عدالت: این برنامه‌ریزی در دهه‌های پایانی قرن بیستم در اروپای غربی و برخی از کشورهای در حال توسعه مانند هند مطرح شد و رویکرد اساسی آن تاکید بر آزادی (یعنی توسعه) و تامین حقوق و منافع همگان در فرایند توسعه اقتصادی واجتماعی و حمایت از گروه های محروم و حاشیه ای جامعه بود.

٤- برنامه مدیریتی اجتماعی مردمی: رویکرد اساسی این‌گونه برنامه‌ریزی از رشد دانش مددکاری اجتماعی و علوم اجتماعی توسعه، بیرون آمده و تلفیقی است از خرد و دانش اجتماعی و دموکراتیزه کردن فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و فرایند برنامه‌ریزی اجتماعی مردمی بر بنیاد گروه‌ها، نهادها، و تشکل‌های اجتماعی

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-06]

ذی‌نفعان برنامه پایه‌ریزی شـده اسـت. در واقـع ایـن فراینـد برنامه‌ریـزی از حرکت مشترک مددکاران اجتماعی، پژوهشگران و برنامه‌ریزان اجتماعی و مردم، از پایین شکل می‌گیـرد و هدف آن رشـد آگاهی و نقش مردم در جریان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است.

این‌گونـه برنامه‌ریزی حاصل سـامان‌یابی نظام‌های سیاسی سوسیال دموکراسی جدید در کشورهای اسـکاندیناوی و سوسیالیسم مشـارکتی کشـورهای اروپای غربی مانند فرانسـه اسـت. به‌طور کلـی، برنامه‌ریـزی اجتماعـی جدیـد، نظریـه‌ای اسـت که بر شـالوده باور بـه "دموکراسـی اجتماعی" کثرت‌گرایی سیاسی و رشـد هر چند بیشتر جامعه مدنی و آزادی انسـان اسـتوار است. از ایـن دیدگاه تصمیم‌گیری درباره توسـعه اجتماعی، رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی باید توسط همه کسـانی انجام گیرد که در فراینـد آن موثر و ذی‌نفع هسـتند و می‌باید بر اساس آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق شـهروندان اسـتوار گردد. برای دستیابی به این هدف‌هـا، می‌باید جریـان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیـری بیـش از پیش بـه نهادهای اجتماعـی و نهادهـا و تشـکل‌های مردمی اجتماعات محلی(Community) و نهادهای درون‌زای غیر دولتـی(NGO) و گروه‌های کارشناسـی و مددکاران اجتماعی مستقل و مانند این‌ها محول شود.

فرایند برنامه‌ریزی اجتماعی در سطح کلان ملی: با تحولات نظری و سـاختاری در برنامه‌ریـزی توسـعه ملـی، برنامه‌ریزی اجتماعی علاوه بر فعالیت نخبگان اجتماعی و سیاسـی، فعالیـت نهادهـای اجتماعـی، تخصصی-حرفه‌ای و مردم است.

در حـال حاضـر در مقیاس توسـعه ملی، رویکـرد سیسـتمی در برنامه‌ریـزی ملـی متداول است. نظام جامع و کارآمد و بهنگام اطلاعـات اقتصادی-اجتماعـی، شـالوده برنامه‌ریزی توسعه با رویکرد سیسـتمی است. به‌علاوه نیروی انسانی متخصص و مجرب و سازوکارهای مناسب برنامه‌ریزی اجتماعی در ارتباط با سـازمان‌های عمومی و دولتی و نهادهای مردمی و اجتماعی از امکانات زیرساختی برنامه‌ریزی پویا و دموکراتیک است.

مطالعـات و تحقیقات اجتماعی، به‌ویـژه در موضوع‌ها و زمینه‌های اساسـی توسـعه و رفاه اجتماعی؛ شالوده‌سـاز برنامه‌ریزی اجتماعی امروز اسـت. الگو جدیدی که در برنامه‌ریزی توسعه ملی کشورهای پیشـرفته، به‌ویـژه در راه توسـعه رواج پیدا کرده، تلفیقی اسـت از "برنامه‌ریزی سیستمی" و برنامه‌ریزی راهبردی پایدار. در چارچوب این نظام پویای برنامه‌ریزی اقتصادی-اجتماعی، تغییراتی اساسـی در محتوا و شکل برنامه‌های توسعه ملی پدید آورده است.

الگـوی برنامه‌ریـزی سـاختاری-راهبردی مبتنـی بر نظـام پویای اطلاعاتـی (اقتصادی-اجتماعـی) و سـازوکارهای مناسـب ارتباط شـبکه‌های برنامه‌ریزی، جایگزین سیستم سـنتی برنامه‌ریزی توسعه ملی است.

فرایند برنامه‌ریزی سیسـتمی-راهبردی: به‌طور کلـی مبانی نظـری برنامه‌ریزی راهبـردی، در واقع، از نظریه سیسـتم‌ها و نظریه تصمیم‌سازی راهبردی در مدیریت توسعه اخذ شده است.

فرایند چرخه‌ای در برنامه‌ریزی توسـعه ملی (اقتصادی و اجتماعی) عبارت است از:

۱-تدوین سیاست کلی: تعریف آرمان‌ها، مقاصد و هدف‌ها و تعیین و تحلیل مسائل و چالش‌های توسعه ملی.

۲-طراحی برنامه توسعه شـامل: تدوین راهبردهـا (استراتژی‌ها) و برنامه‌هـا(ارزیابی منابع و هزینه‌ها و تخصص منابع برنامه بر حسـب فعالیت‌ها، زمان و ...) برای دسـتیابی به هدف‌ها و تحقق سیاسـت‌ها برای حل مسائل و چالش‌های توسعه.

۳-ارزشیابی: آزمون و ارزشیابی مجموعه راهبردها و سیاست‌ها.

٤-اجـرا و نظارت برنامه توسـعه: تدوین سـازوکارها، مقررات و راهکارهـا برای اجرای راهبردها و سیاسـت‌ها و برنامه‌های توسـعه (اقتصـادی اجتماعی) و سـر انجام نظـارت بر ضوابـط و معیارهای اجرایی پیش‌بینی شده.

فرایند برنامه‌ریزی اجتماعی در سطح خرد: مهمترین کاربرد فراینـد برنامه‌ریزی اجتماعی در سـطح خـرد، در محدوده خدمات اجتماعـی و فعالیت متنـوع مددکاران اجتماعی صـورت می‌گیرد. از زمان کنفرانس سـال ۱۹۷۴ در کپنهاک دانمـارک، دانش مددکاری اجتماعـی وارد عرصـه برنامه‌ریـزی اجتماعـی به‌منظـور مقابلـه با مشکلات اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی شد. به‌علاوه در قلمـرو، مددکاری گروهـی و مددکاری اجتماعـی جوامع محلی ضـرورت برنامه‌ریزی اجتماعی بیش از پیش احسـاس می‌گردد. در

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-06]

واقـع برنامه‌ریزی اجتماعی در محدوده کارهای مددکاری اجتماعی، از مردمی‌ترین، دموکراتیزه‌ترین فرایندهای برنامه‌ریزی است. مردم و ذی‌نفعان در کنار مددکاران اجتماعی با بررسی‌های مشارکتی و ارزیابی درســت مسـائل، نیازها و منابع و امکانات، مشـترکاً در جهت تحقـق اهدافی انسـانی برنامه‌ریزی می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری

فراینـد و چرخه برنامه‌ریـزی اجتماعی درمحدوده کارها و خدمات مددکاری اجتماعی، برپایه اعتقاد و باور به مردم و جامعه مدنی و نهادهای غیر دولتی و عدالت و آزادی انسان استوار است.

کارهای برنامه‌ریزی اجتماعی با مشـارکت مددکاران اجتماعی و ذی‌نفعان برنامه صورت می‌گیرد. شـالوده اصلی این برنامه‌ریزی، بررسی‌های عمقی مددکاران اجتماعی است، این فرایند پژوهشی برنامه‌ریزی شامل موارد زیر است:

۱-نخسـتین گام برنامه‌ریزی بررسی درباره مشـکل اجتماعی است، بررسی‌های مددکاری اجتماعی بدین منظور است تا مسـائل، چالش‌ها، نیازها، امکانات و منابع مورد نیاز شناسـایی و تحلیل شود. اساس این بررسی، مشارکت توامان مددکار اجتماعی و ذی‌نفع برنامه مورد نظر است.

۲-دومین گام در فرایند برنامه‌ریزی، تعیین هدف‌های برنامه اسـت که مددکار اجتماعی می‌کوشد تا با مشارکت ذی‌نفع برنامه به آن‌ها دسـت یابد. در برنامه‌ریزی اجتماعی، تعیین هدف‌ها از دشـوارترین کارهای برنامه‌ریزی اسـت که باید با دقت و ارزیابی درسـت از نیازها، امکانات و منابع و مشـکلات تهیه و تدوین گردد. نگاهی به کارهای گذشـته نشان می‌دهد، در تهیه طرح‌های اجتماعی کارشناسان برخوردی بسیار سرسری در تدوین هدف‌ها داشته‌اند. البته تعیین اهداف برنامـه یا طرح اجتماعی، با توجه به ماهیت پیچیده اجتماعی آن‌ها، کاری دشـوار اسـت، خاصه در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی بین کارشناس(مددکار اجتماعی) و افراد ذی‌نفع. ولی مددکاری اجتماعی که به کار و حرفه‌اش عشق می‌ورزد، در جریان برنامه‌ریزی می‌تواند نقش ارزشمندی در برنامه‌ریزی اجتماعی بازی کند.

۳-تدویـن طـرح اجتماعی و ارزیابی: مراد از طرح اجتماعی (یا پروژه اجتماعی) فقط تهیه و برآورد منابع و چگونگی هزینه در طرح نیسـت. بلکه در طرح اجتماعی باید وضعیت آینده گروه و یا جامعه محلی که طرح بنابر نیازهای ایشـان تهیه و اجرا می‌گردد، کاملا پیش‌بینی شود. از همه مهمتر کلیه مراحل اجرایی پروژه وطرح با نظر ذی‌نفعان برنامه یا طرح اجتماعی طرح‌ریزی شود.

منابع

References:

1- Hajyousefi A.(program director) Encyclopedia of welfare. Research deputy; university of social welfare and rehabilitation sciences. 1994. [Persian].

2- Ayatolahi A. Principles of planning, Tehran center for management studies. 1998. [Persian].

3- Hajyousefi A. Social planning course notes, governmental management training center, Tehran. 1993. [Persian].

4- Greffe X. Financing the social economy. 1983 [French].

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-06]